

همگرایی آمریکایی‌های عرب تبار در جامعه آمریکا***

آندره کولزیکی*

آرون پیترو لوبو**

ترجمه: حسین دادرند

مقدمه

در آستانه قرن جدید، جهان عرب به شکلی برجسته و چشمگیر در دیدگان رسانه‌ها ظاهر شده است. قیمت نفت، احیاگرایی اسلامی، منازعات متناوب در خلیج فارس، موانع موجود بر سر راه فرآیند صلح در مناقشه اسرائیل و فلسطین، از جمله موضوعات مهم و مورد علاقه در این زمینه است. همچنین میزان و نفوذ روبه افزایش جمعیت اعرابی که در حال حاضر در ایالات متحده زندگی می‌کنند، توجهات را به سوی خود جلب کرده است؛ گروهی که از سوی مفسران و نیز عموم مردم به دیده شک و تردید نگریسته می‌شوند. جمعیت آمریکایی‌های عرب تبار به رغم داشتن تعداد نسبتاً کم، به خاطر نفوذ سیاسی بالقوه‌اش، بیش از گذشته به رسمیت شناخته می‌شود. در سال ۱۹۹۸، طی نشست‌های در یک موسسه عربی-آمریکایی (سازمان هواداران مستقر در واشنگتن)، بیل کلینتون، نخستین رئیس جمهوری بود که در کنفرانس آمریکایی‌های عرب تبار به سخنرانی پرداخت. دو نامزد اصلی انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۰ به طور جداگانه در دیترویت با رهبران اقلیت‌های آمریکایی عرب تبار

* آندره کولزیکی دارای مدرک دکتری و استادیار دانشکده اپیدمیولوژی و بهداشت بین الملل دانشگاه آلاباما در بیرمنگام است.
** آرون پیترو لوبو دارای مدرک دکتری، قائم مقام مدیر بخش جمعیت، دانشکده برنامه‌ریزی شهری دانشگاه نیویورک است.

*** Andrzej Kulczycki and Arun Peter Lobo, "Deepening the Melting Pot: Arab-Americans at the Turn of the Century," *Middle East Journal*, No. 3, Summer 2001, pp. 459-473.

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۵۰-۱۲۷.

دیدار کردند. دیترویت، جایی است که حومه اش - دیربورن Dearborn - برای بزرگترین تجمع اعراب مهاجر در آمریکای شمالی، وطن محسوب می شود. این نشستها، نخستین پیشنهاد از این نوع بود که از سوی نامزدهای ریاست جمهوری به رهبران آمریکایی های عرب تبار ارایه می شد.^۱ آنها همچنین نفوذ و اهمیت سیاسی روبه رشد آمریکایی های عرب تبار را مورد تأکید قرار دادند؛ اعرابی که فعالانشان در انتخابات سیاسی اخیر با تلاش بسیار کوشیدند حوزه انتخاباتی شان را در نقشه سیاسی قرار دهند و کمک کنند موضوعات حقوق بشر و سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه را در رأس مسایل مورد توجه آمریکایی های عرب تبار قرار دهند. گرچه آمریکایی های عرب تبار به عنوان یک اقلیت، بیشتر به چشم می آیند و به عنوان یک گروه از اهمیت سیاسی بیشتری برخوردارند، مشخصات جمعیت شناختی، اجتماعی و اقتصادی آنها به شکلی نامناسب توصیف و بد فهمیده شده است. این مقاله با تحلیل ویژگیهای جمعیت شناختی این گروه قومی و معانی ضمنی گرایشها و دیگر گونیهای مورد اشاره، درصدد تصحیح و جبران این ناهماهنگی است. هدف دوم، آزمون سازگاری اجتماعی و اقتصادی آمریکایی های عرب تبار بومی آمریکا و متولد خارج است. با ادامه مهاجرت گسترده اعراب به ایالات متحده، آنها در حال شکل دادن به جامعه ای مهمتر هستند که هنوز از ناهمگونی قومی رنج می برد. از دهه ۱۹۷۰ به این سو، همراه با ظهور بسیاری از سازمانهای آمریکایی عرب تبار در سطوح جامعه و ملی، نوعی خودآگاهی گروهی در میان آمریکایی هایی که از قومیت عربی برخوردارند، ظهور و بروز بیشتری یافته است.^۲ در همان حال، تصویر اعراب در فرهنگ عمومی آمریکا متأثر از حضور روبه رشد جمعیت مسلمانان و رابطه ایشان با اوج گیری اسلام ستیزه جو - به عنوان یک نیرو - در عرصه سیاست بین الملل است، همان گونه که از سیاست دولت ایالات متحده نسبت به مسایل خاورمیانه تأثیر می پذیرند.^۳ بررسی وضعیت آمریکایی های عرب تبار در دوره فعلی و اخیر باید با کمک تحقیقات جدید و نیز شناخت این گروه قومی صورت گیرد. انجام چنین کاری برای کمک به آگاهی بخشی به مباحث عمومی و نیز غلبه بر مباحث کلیشه ای و استنباطات نادرست، ضروری است.

در سه دهه گذشته قرن بیستم، مهاجرت به ایالات متحده به نحو چشمگیری رشد

داشته است. در نتیجه، سهم اشخاص متولد خارج در جمعیت ایالات متحده بیش از دو برابر شد، یعنی از ۴٫۸ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۱۰٫۴ درصد در ماه مارس سال ۲۰۰۰ رسیده است.^۴ این افزایش تعداد در جمعیت ساکنین متولد خارج، موجب شکل گیری مباحث عمومی و کنجکاویهایی قابل ملاحظه ای پیرامون چگونگی جذب گروههای جدید در جمعیت شده است. این مقاله در پی آگاهی دادن و اطلاع رسانی به مباحثی است که پیرامون جمعیت اعراب آمریکایی تبار مطرح است، به ویژه درصدد ارائه تاریخچه ای از نحوه دگرگونی ویژگیهای جمعیتی آنها در دهه های اخیر و نیز پر کردن خلاء ای است که ماهیت غیر قابل اطمینان مختصات آماری ایجاد کرد و بر آن اساس، هویت این گروه مشخص می شود.

پس از توصیف منابع اطلاعاتی، داده ها و معیار و ملاکهایی که برای ارائه تعریفی از آمریکایی های عرب تبار به کار می بریم، وضعیت جمعیت شناختی، اجتماعی و اقتصادی و آمریکایی های عرب تبار را تحلیل کرده، آن را با جمعیت عمومی مقایسه و همسنجی می کنیم. ما سرشماری سال ۱۹۸۰ و سرشماری سال ۱۹۹۰ را مورد آزمون قرار می دهیم. یعنی دوره ای که جمعیت آمریکایی های عرب تبار به سرعت رشد کرد و تغییرات مهمی در ساختار آن رخ داد. این مسئله اجازه می دهد که ساختار اجتماعی-اقتصادی آمریکایی های عرب تبار و هویت قومی آنها مورد ارزیابی قرار گیرد. وقتی این موضوعات روشنتر شد، آنگاه این امکان برای ما فراهم می شود که بپرسیم آیا تجربه آمریکایی های عرب تبار در زمره نظریات رایج پیرامون موفقیت یک گروه قومی و استثنایی بودن آنها قرار دارد و اینکه آیا احتمال دارد موج اخیر مهاجران عرب نیز از همان خط سیر اسلاف خویش در هضم شدن در جمعیت آمریکا پیروی کنند. همچنین، تاریخچه مذهبی و در حال دگرگونی آمریکایی های عرب تبار را مورد آزمون و ماهیت اسلامی چشمگیرشان را مورد توجه قرار داده و با مهاجران مسلمان در اروپا مقایسه هایی صورت می دهیم؛ براساس پیامدهای سیاسی-احتمالی این گرایشها، آنها را انعکاس می دهیم. مقاله، با ارائه دورنمایی از بافت تاریخی مهاجرت آمریکایی های عرب تبار آغاز می شود.

مهاجرت و سکونت اعراب در ایالات متحده

در دهه ۱۸۸۰، نخستین گروه از مهاجران عرب از استان ماونت (Mount) [جَبَل] لبنان در سوریه کبیر که در آن زمان تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی قرار داشت وارد ایالات متحده شدند، البته بیشتر این مهاجران، مسیحی بودند.^۵ بسیاری از آنها در نخستین فرصت در پی همگونی و در آمیختن با چیزی بودند که آن را فرهنگ غالب ایالات متحده می دانستند. خواسته یا ناخواسته نامهایشان را به اسامی «آمریکایی» تغییر دادند، بسیاری از سنتها را کنار گذاشتند و اقلیت عمده، اما کوچک و ناپیدایی را تشکیل دادند. این مسئله، زمانی اتفاق افتاد که رفتارها، باورها و خصایص رایج و متداول در «کشور چند ملیتی» در صد تلفیق فرهنگ مهاجرین و تلویحاً تحمیل هم‌رنگی با فرهنگ آمریکایی بود. پس از جنگ جهانی دوم، شمار فراوان مهاجرین از ملیتها و پیشینه عربی، موجب احیای جریانهای مهاجرت از خاورمیانه و شمال آفریقا شدند. تصویب قانون مهاجرت و تابعیت در سال ۱۹۵۶ به تقدم و اولویت داشتن اروپایی‌ها در سیاستهای مهاجرت پایان داد. با افزایش سهمیه‌های مهاجرت بر اساس ملیت و نژاد و تأکید بر وحدت مجدد خانواده، قانون سال ۱۹۶۵، جریانات عربی را که خصوصاً در اواسط دهه ۱۹۷۰ قدرتی به دست آورده بودند، به حرکت درآورد. این مسئله، موجب تصدیق و پذیرش بیشتر تفاوت‌های فرهنگی و یک هویت قومی روبه رشد در میان عموم مردم شد. با این وجود آمریکایی‌های عرب تبار، به ویژه مسلمانان، با پیشداوریها و تعصبات سرسختانه‌ای مواجه بودند که به تنشهای جاری در منطقه خاورمیانه مربوط می شد.^۷

آمریکایی‌های عرب تبار مسلمان، خودآگاهانه و لزوماً یک شیوه زندگی اسلامی را در پیش نمی گیرند و آن گونه که تصویر می شوند یک گروه یکدست نمی شوند. آنها اکنون، متشکل از افرادی از اقصی نقاط جهان عرب هستند که قادرند هویت جمعی خود را حفظ کنند و توسعه دهند؛ هویتی که به واسطه رشد عددی مستمرشان تسهیل شده است. گرچه آمار دقیقی در دست نیست، اما تصور می شود که از مجموع ۱٫۲ میلیون نفر مسلمان حاضر در آمریکا در سال ۱۹۸۰، حدود ۴۶۰ هزار نفر از آنها از قومیت‌های عربی بودند، بقیه آنها بیشتر آمریکایی‌های آفریقایی تبار مسلمانان سیاهپوست که تعداد روبه رشدی از افراد نوآیین را

تشکیل می دهند، ایرانی ها، ترک ها، پاکستانی ها و هندی ها بودند.^۸ برآوردهای موجود دربارهٔ پیروان مذاهب در ایالات متحده - نه اسناد آماری ادارهٔ آمار و نه اسناد ادارهٔ مهاجرت و شهروندسازی INS دربارهٔ مذهب یا فرهنگ - حاکی از این است که احتمالاً جمعیت مسلمانان تا سال ۲۰۰۰ به ۵٫۵ میلیون نفر رسیده است.^۹ ناهمگونی جمعیت فزایندهٔ آمریکایی های عرب تبار، عقلانی کردن فرآیند سازگاری را در میان آنها مشکلتر کرده است. این مسئله همچنین موجب تعمیق کشور چند ملیتی ساختگی می شود؛ امید به آینده ای که در آن همه مهاجران به اتباع آمریکا تبدیل خواهند شد. تا دهه ۱۹۷۰، مهاجرت اعراب در تاریخ اقوام آمریکا از اهمیت چندانی برخوردار نبود.^{۱۰} گرچه این وضعیت اصلاح و مهاجرت اعراب احیا شده است، اما مطالعات موجود دربارهٔ آمریکایی های عرب تبار همچنان متکی به آمار ناقص و برداشت گرایانه (امپرسیونیستی) است که توسط مراکز مذهبی، مراکز مطالعاتی و سازمانهای عربی ارایه شده اند. نبود اطلاعات واقعی و داده های جمعیت شناختی، ناشی از مقایسهٔ شدید با حجم تحقیقاتی است که بر روی گروههای قومی بزرگتر و باثبات تر است.^{۱۱} پژوهش پیش روی، نخستین مورد برای مقایسه با داده های آماری سال ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دربارهٔ آمریکایی های عرب تبار و برای نشان دادن بسط و گسترش ویژگیهای جمعیت شناختی این گروه طی این دوره است. همچنین، تفاوت ویژگیهای جمعیت شناختی و اجتماعی - اقتصادی در میان نسل آمریکایی های عرب تبار متولد ایالات متحده خارج از این کشور می پردازد.

منابع اطلاعاتی (داده ها)

این مقاله از پنج درصد نمونه های ریز اطلاعاتی فواید عامه (Pulus) استخراج شده تا به همراه یک سری از مشخصه های جمعیت شناختی، اجتماعی - اقتصادی، شرح حال و تاریخچه ای از آمریکایی های عرب تبار ارایه دهد. مراکز مطالعاتی به مقایسهٔ خصایص و ویژگیهای آمریکایی های عرب تبار با کل جمعیت ایالات متحده (به عنوان یک گروه مرجع) پرداخته اند. تحلیل متغیرهای درآمد و اشتغال، بر گروه سنی ۲۹-۲۱ سال متمرکز است، سالهای اولیه کار و ردهٔ سنی ای که به اندازهٔ کافی نیز وسیع بوده و می تواند موارد مناسبی را

از تمامی گونه‌های عمده برای آزمون تضمین کند. با استفاده از دو متغیر، آمریکایی‌های عرب تبار تعریف شده‌اند: اصل و نسب (به ریشه قومی یا تبار یک فرد راجع است) و زادگاه تمامی کسانی که اظهار کرده‌اند که اصل و نسب اولیه و یا ثانویه آنها از یکی از کشورهای عضو اتحادیه عرب است و یا اینکه در یکی از این کشورها متولد شده‌اند، در این تحقیق منظور شده‌اند.^{۱۲} به هنگام استفاده از اطلاعات آماری، مشکلات چندی بروز می‌کند. اداره آمار به لحاظ حقوقی، وضعیت متولدین خارج از آمریکا را مشخص نمی‌کند، بنابراین بعضی از عرب‌های متولد خارج، مانند دانشجویان و دیپلماتها ممکن است موقتاً در اینجا ساکن باشند، در حالی که ممکن است برخی از آنها غیر مستند باشد. مهمتر اینکه ممکن است ارایه هویت و اصل و نسب از سوی اشخاص، موجب از قلم افتادن و کم شمردن جمعیت عرب‌ها شود. به ویژه احتمال دارد این مسئله در مورد کسانی صدق کند که نیمه عرب هستند، چرا که آنها کمتر تمایل دارند که اصل و نسب اولیه یا ثانویه خود را عرب معرفی کنند. در مورد گروه‌های مهاجر اخیر، علاوه بر این مسئله ممکن است مشکلات زبانی و بی‌اعتمادی به دولت مانع از پاسخگویی بسیاری از عرب‌ها به آمارگیری شود. از این رو ممکن است در این اطلاعات، آمریکایی‌های عرب تبار نسل دوم یا بالاتر درصد کمتری نماینده داشته باشند، به ویژه کسانی مانند مهاجرین عرب اخیر که اصل و نسب مختلط دارند. به رغم این مشکلات هنوز می‌توان حجم قابل توجهی از اطلاعات مفید را از داده‌های موجود استخراج کرد.

ویژگیهای جمعیت شناختی (دموگرافیک)

افزایش تعداد و تنوع

در دهه ۱۹۸۰، جمعیت آمریکایی‌های عرب تبار به سرعت رشد کرد و ۴۲ درصد افزایش یافت، یعنی از ۷۱۲ هزار نفر در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۱٫۰۱ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ رسید. به احتمال قریب به یقین، این ارقام کمتر از حد واقعی است. حتی برخی از نویسندگان اظهار کرده‌اند که ممکن است بین دو تا دو و نیم میلیون نفر از افراد با نژاد عربی در ایالات متحده زندگی کنند، اما چنین ادعاهایی، واقعی نیست.^{۱۳} بی‌تردید اگر روند

مهاجرت اخیر اعراب و نرخ باروری آنها ادامه یابد، هم جمع کل و هم سهم نسبی جمعیت آمریکایی های عرب تبار به رشد خود ادامه خواهد داد. در کل، دو پنجم آمریکایی های عرب تبار اصالتاً لبنانی هستند و تقریباً یک پنجم آنها اصل و نسب سوری دارند (جدول شماره ۱). سایر گروههای عرب آمریکایی تبار عبارتند از مصری ها (نه درصد) و فلسطینی ها (پنج درصد) هیچ گروه آمریکایی عرب تبار دیگری بالغ بر بیش از پنج درصد کل جمعیت نخواهد شد. در سال ۱۹۹۰، از هر پنج آمریکایی عرب تبار، سه نفرشان (۵۹ درصد) در ایالات متحده متولد شده بود. همچنین ۷۵ درصد از لبنانی ها و ۶۷ درصد از سوری ها چنین وضعیتی داشتند که این، خود گواهی بر یک قرن حضور در ایالات متحده بود. از میان سایر گروههای عرب، به طور متوسط تنها یک سوم آنها متولد آمریکا بودند که این خود حاصل جدیدالورود بودن این گروهها است. آمریکایی های عرب تبار، مهاجرینی هستند که به تازگی وارد آمریکا شده اند و حدود هشتاد درصد آنها در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ وارد آمریکا شده اند. به طور کلی شصت درصد آمریکایی های عرب تبار براساس تولد [خاک] و ریشه مادری یا پدری [خون] شهروند ایالات متحده هستند و بیست درصد دیگر، کسانی هستند که بعدها به تابعیت آمریکا درآمده و بومی آنجا شده اند.

ساختار سنی جوانان

جمعیت آمریکایی های عرب تبار در کل از جمعیت ایالات متحده جوانتر است. در سال ۱۹۹۰، میانگین سنی آمریکایی های عرب تبار ۲۹ سال بود که چیزی حدود سه سال جوانتر از میانگین سنی تمامی آمریکایی ها بود. آمریکایی های عرب تبار به شکلی نامتعادل مذکر هستند، آن گونه که در سال ۱۹۹۰ منعکس شده، نسبت جنسی آنها اختلاف زیادی دارد. یعنی ۱۱۹ مرد در برابر ۱۰۰ زن؛ در حالی که این رقم برای کل جمعیت آمریکا ۹۵ است این نسبت جنسی در سال ۱۹۸۰ عملاً از ۱۱۵ نفر بیشتر شده است و کارکرد نامتقارن جنسی در میان عرب های مهاجر را نشان می دهد. در سال ۱۹۹۰ بیشتر عرب های متولد خارج با نسبت جنسی ۱۴۹ مذکر بودند. به طور مشخص شمار زیادی از مهاجرین یمنی مذکر هستند،

کسانی که اغلبشان کارگران بدون مهارت هستند و در زمانی که مخارج خانواده هایشان را در یمن تأمین می کردند دوره های مختلف اشتغال را در آمریکا گذرانده اند. بسیاری از آنها خود را مقيم موقت آمریکا می دانند. تقريباً همان گونه که بسیاری از عرب های مهاجر یک قرن پيش می دانستند.^۴ نابرابری شديد جنسیتی در گروه آمریکایی های عرب تبار تلویحاً به این معنا است که بسیاری از مردان آمریکایی عرب تبار احتمالاً با زانی خارج از گروهشان ازدواج خواهند کرد و فرزندانشان از والدینی دور که متولد خواهند شد و احتمالاً علایقشان سست تر از آن چیزی خواهد بود که آنها در موطن آبا و اجدادی خود دارند. نابرابری جنسی حاکی از این است که بسیاری از مهاجرین اخیر، احتمالاً به واسطه دوری از سرزمین مادری به موطن خود باز خواهند گشت. بسیاری از آمریکایی های عرب تبار به طور سنتی به موطن خود سفر کرده و در آنجا ازدواج کرده اند و بعد همسرشان را با خود به ایالات متحده آورده اند، همان گونه که در مورد سایر گروههای اتفاق افتاده، احتمال از بین رفتن کامل نابرابری جنسی جریانهای مهاجر اخیر، امری کاملاً موجه است و به همین علت وحدت مجدد خانواده، دلیل محکمتری برای ورود به ایالات متحده محسوب می شود.

در سال ۱۹۹۰، ۶۴ درصد از آمریکایی های عرب تبار، در رده سنی ۵۹-۲۱ سال که متأهل هم بودند، در کل تقريباً با نرخ ملی برابر و همسان بودند. کمی بیش از یک چهارم (۲۶ درصد) آمریکایی های عرب تبار در مقایسه با ۲۲ درصد از جمعیت ایالات متحده مجرد بودند. نسبت افراد متأهل در میان آمریکایی های عرب تبار متولد آمریکا پایینتر است (۵۸ درصد)، در حالی که نسبت افراد مجرد بیشتر است (یعنی ۳۱ درصد) احتمال متأهل بودن ساکنین متولد خارج بیشتر است (۶۹ درصد) و این امر تا حدودی به اهمیت یکپارچگی مجدد خانواده در قطعیت اجازه ورود به مهاجرین باز می گردد. در حالی که باروری زنان آمریکایی عرب تبار کمی پایینتر از همان میزان در میان تمامی زنان ایالات متحده است، از نظر زاد و ولد تفاوتی عمده ای با یکدیگر دارند. در مقایسه با تمامی زنان ایالات متحده، آمریکایی های عرب تبار آغاز بارداری خود را به تأخیر انداخته و در کل میزان بارداری پایین تری داشته اند، این گفته ها در مورد آمریکایی های عرب تبار متولد خارج نیز صدق می کند. تعداد فرزندان به دنیا آمده^۵ در

میان زنان آمریکایی عرب تبار متولد آمریکا در سنین ۴۴-۳۵ سال، ۱٫۶ کودک برای هر زن است که در مقایسه با زنان عرب مهاجر ۲٫۳ کودک می باشد و در این گروه سنی برای متوسط زنان ایالات متحده کمی کمتر از دو می باشد. زنان آمریکایی تبار متولد آمریکا در سنین بین ۳۵ تا ۴۴ سال، نه تنها در سال ۱۹۹۰ پایین ترین میزان بارداری را داشته اند، بلکه بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، بیشترین کاهش را در این زمینه نشان داده اند (۳۰ درصد). دو عامل مهم که در این زمینه نقش دارند به کسب تحصیلات عالی و مشارکت بیشتر نیروی کار زنان آمریکایی عرب تبار متولد آمریکا مربوط است.

پراکندگی جغرافیایی

آمریکایی های عرب تبار به شکلی تقریباً یکدست در چهار بخش مهم جغرافیایی در داخل ایالات متحده، پراکنده شده اند؛ اکثریتی کمرنگ از آنها در شمال شرقی (۲۹ درصد در سال ۱۹۹۰، در مقایسه با بیست درصد از جمعیت ایالات متحده) و گروه کمتری در جنوب (۲۴ درصد مقایسه با ۳۴ درصد از کل آمریکایی ها) یک سوم از مهاجرین عرب در ایالت های غربی زندگی می کنند. وقتی که داده ها در مقیاس کوچکتر مورد تحلیل قرار گرفتند، آنگاه شاهد الگوی روشنتری از تمرکز منطقه ای خواهیم بود. مهاجرین تمایل به همگرایی با کسانی را دارند که دارای پیشینه ها و زمینه های مشابهی با آنها در حوزه اجتماعی، روانشناختی و اقتصادی هستند؛ در حالی که نسل های بعدی تمایل روز افزونی به پراکندگی در انتخاب محل سکونت دارند.^{۱۶} بیش از نیمی از آمریکایی های عرب تبار تنها در پنج ایالت کالیفرنیا، نیویورک، میشیگان، فلوریدا و نیوجرسی زندگی می کنند. بنابراین، آمریکایی های عرب تبار در ایالت هایی متمرکز شده اند که به لحاظ انتخاباتی از اهمیت کلیدی برخوردارند که خود حاکی از این است که اگر سازمان دهی می شدند، می توانستند از نفوذ سیاسی بالقوه شان استفاده کنند. ایالت کالیفرنیا نه تنها در برگیرنده ۱۹ درصد از کل آمریکایی های عرب تبار است که تقریباً این میزان شامل سه نفر از هر ده نفر آمریکایی عرب تباری است که خارج از ایالات متحده متولد شده اند که خود به همراه حومه ها و مناطق کلان شهر لس آنجلس بیش از

هشت درصد از جمعیت عرب ملت آمریکا را تشکیل می دهند. سایر نواحی کلان شهر که آمریکایی های عرب تبار در آنجا حضور چشمگیری دارند، عبارتند از: دیترویت (که سکونتگاه هشت درصد عرب های ملت آمریکا است) نیویورک (هفت درصد) و شیکاگو (چهار درصد).

آمیختگی اجتماعی: مهارتهای زبانی و کسب تحصیلات

آمریکایی های عرب تبار در سطوح نسبتاً بالایی از مهارت در فراگیری زبان انگلیسی قرار دارند. در سال ۱۹۹۰ گزارش شد که ۸۳ درصد از آنها توانایی بسیار خوبی در تکلم به زبان انگلیسی دارند: براساس گزارشها، در میان آمریکایی های عرب تبار متولد آمریکا، ۹۷ درصد از آنها در مقایسه با ۹۴ درصد از کل آمریکایی ها، تسلط بسیار خوبی به زبان انگلیسی دارند. گرچه براساس گزارشها، تنها ۶۵ درصد از مهاجرین آمریکایی عرب تبار از مهارتهای بسیار قوی در زبان انگلیسی برخوردارند. این امر حاکی از رشد ده درصدی از سال ۱۹۸۰ به این سو است. از این رو به رغم مهاجرت گسترده عرب ها در دهه ۱۹۸۰، نسبت کسانی که از تبحر بسیار خوبی در زبان انگلیسی برخوردارند، افزایش یافته که خود گواهی است بر مهارتهای بسیار خوب زبانی بسیاری از مهاجرین عرب و نشانگر نظر مساعد آنها در سازگاری با بازار کار ایالات متحده است. در همان حال، ۸۷ درصد از مهاجرین عرب، در مقایسه با ۱۶ درصد از آمریکایی های عرب تبار متولد آمریکا، همچنان به زبان دیگری - احتمالاً عربی - در منزل تکلم می کنند.

در سال ۱۹۹۰، آمریکایی های عرب تبار نسبت به سایر آمریکایی ها تمایل بیشتری نسبت به کسب تحصیلات عالی نشان دادند. (جدول شماره ۲) در حالی که ۲۴ درصد از تمامی مردان آمریکایی دارای مدارک حرفه ای و یا کالج بودند، چهل درصد از مردان آمریکایی عرب تبار متولد آمریکا و ۴۳ درصد از مردان آمریکایی عرب تبار متولد خارج، دارای چنین وضعیتی بودند. در میان زنان عرب، ۳۵ درصد از متولدین آمریکا و ۲۶ درصد از متولدین خارج، در مقایسه با ۲۱ درصد از کل زنان ایالات متحده، دست کم فارغ التحصیل کالج بودند. در هر حال، مهاجرین زن آمریکایی عرب تبار، در دو سوی طیف وضعیت تحصیلی، بیش از حد

جلوه می‌کنند: در مقایسه با شش درصد از زنان عرب متولد آمریکا و هفده درصد از کل زنان ایالات متحده، بیش از یک چهارم از آنها دبیرستان را به اتمام نرسانده‌اند، ولی سطوح کسب تحصیلات طی دوره ۹۰-۱۹۸۰ برای تمامی گروهها - به ویژه برای زنان عرب مهاجر - بهبود یافت. در کل سطوح بالای مهارت در زبان انگلیسی و کسب تحصیلات در میان آمریکایی‌های عرب تبار متولد آمریکا موجب افزایش توانایی آنها برای ورود به مشاغل حرفه‌ای و مناصب مدیریتی در منتهی‌الیه طیف مشاغل می‌شود. این دستاوردها به نوبه خود موجب رفع موانع فرهنگی و مذهبی به منظور شکل‌گیری از دواج‌های مختلط می‌شود. همچون آمریکایی‌های آسیایی و اسپانیولی تبار، آمریکایی‌های عرب تبار نیز در سطوح کلان همسرانی از سایر قومیتها بر می‌گزینند، به ویژه این مسئله پس از زندگی یک یا دو نسل از آنها در ایالات متحده صورت واقعی به خود می‌گیرد.^{۱۷} از دواج‌های بین نژادی، بیشتر موجب فرآیندهای یکپارچگی اجتماعی می‌شوند.

ساختار خانواده

در سال ۱۹۹۰، متوسط جمعیت خانوار آمریکایی‌های عرب تبار متولد آمریکا به همان اندازه خانوار تمامی آمریکایی‌ها بود (۲٫۶ نفر در هر خانواده). لیکن متوسط خانوار آمریکایی‌های عرب تبار که از ۲٫۹ نفر تشکیل شده است براساس میانگین اندازه خانوارهای بزرگتر از عرب‌های مهاجر ۳٫۱ نفر در هر خانوار است. با این وجود، ترتیب زندگی آمریکایی‌های عرب تبار به شکل قابل توجهی به نوع زندگی تمام آمریکایی‌ها - البته از نوع خانواده زوجهای متأهل - شباهت دارد. تقریباً از هر پنج خانوار آمریکایی‌های عرب تبار، سه مورد از آنها، ۵۹ درصد در مقایسه با ۵۶ درصد از تمام خانوارهای آمریکایی، از زن و شوهر تشکیل شده است. خانوارهای زن و شوهری درآمد بالایی دارند و سهم بالای چنین خانوارهایی نشانه خوبی برای رفاه اقتصادی یک گروه محسوب می‌شود. از سوی دیگر، خانوارهای تک ولی (والدینی) به لحاظ اقتصادی با وضعیت نامساعدی مواجه خواهند شد، اما این خانواده‌ها تنها دوازده درصد از خانوار آمریکایی‌های عرب تبار و پانزده درصد از خانوار کل

آمریکایی‌ها را تشکیل می‌دهند. از آنجایی که ترتیبات خانوار در مورد عرب‌های متولد خارج، شبیه این مورد در تمامی آمریکایی‌ها است، خانوارهایی که تحت سرپرستی آمریکایی‌های عرب تبار متولد خارج قرار دارند به احتمال قوی بیشتر از زن و شوهرها (زوج) شده و به احتمال ضعیف از سوی زنان سرپرستی می‌شوند. بچه‌های آمریکایی عرب تبار به احتمال زیاد در پناه والدین زندگی می‌کنند، در مقایسه با ۷۱ درصد از کل بچه‌های آمریکایی، ۸۴ درصد از آنها با هر دو والدین خود زندگی می‌کنند.

بیش از ۵۶ درصد از خانوارهای آمریکایی عرب تبار برای خودشان خانه‌ای دارند. دو سوم خانوارهایی که تحت سرپرستی یک آمریکایی عرب تبار متولد ایالات متحده هستند، (مانند تمام خانوارهای آمریکایی) در مقایسه با ۴۸ درصد از کسانی که در خارج متولد شده‌اند، صاحب شغل هستند. میانگین درآمد خانوار برای آمریکایی‌های عرب تبار در مقایسه با میانگین ملی ۲۹,۶ دلار، چیزی حدود ۳۴,۲ دلار است. برای اعراب مهاجر، میانگین درآمد خانوار (یعنی ۳۰,۱۹۰ دلار) مشابه همان میزان برای کل آمریکایی‌ها است؛ برای آمریکایی‌های عرب تبار متولد ایالات متحده، این میزان، خیلی بیشتر یعنی ۳۷,۸۲۱ دلار است (جدول شماره ۳) در حالی که درآمد بالای خانوار می‌تواند حاصل کار حقوق‌بگیران متعدد باشد. اگر اندازه خانواده را محاسبه کنند، نرخ فقر نسبت به درآمد، معیار ظریفتری از مزیقه اقتصادی محسوب می‌شود. در سال ۱۹۹۰، نرخ فقر هم برای جمعیت آمریکایی و هم آمریکایی‌های عرب تبار حدود ۱۳ درصد بود. برای بیشتر گروه‌های مهاجر، به ویژه در مورد ورودیه‌های جدید، به طور معمول نرخ فقر بسیار قابل ملاحظه‌تری وجود دارد. در میان عرب‌های متولد خارج، میزان فقر اساساً بیشتر (هجده درصد) از هم‌تایان متولد آمریکای آنها است (ده درصد)، گرچه این میزان از ۲۱ درصد در سال ۱۹۸۰ کاهش پیدا کرده است. از این رو به رغم درآمد نسبتاً بالای آنها، عرب‌های مهاجر به خاطر خانوارهای بزرگتری که دارند، نرخ فقرشان بالاتر از حد متوسط است.

شرایط اقتصادی

سهم مردان آمریکایی عرب تبار در سنین ۲۱ تا ۵۹ که به استخدام درآمده اند (۸۱ درصد) مشابه تمام آمریکایی ها است. (۸۲ درصد)، در میان زنان درصد اشتغال آمریکایی های عرب تبار (شصت درصد) پایین تر از همین میزان برای تمامی زنان آمریکایی (۶۸ درصد) بود. براساس تولد، تفاوت های عمده ای در اشتغال زنان وجود دارد. در حالی که ۷۳ درصد از زنان متولد آمریکا، شاغل بودند، این میزان تنها در مورد ۴۶ درصد از زنان عرب متولد خارج صدق می کند، بسیاری از زنان مهاجر (به ویژه مسلمان) در جستجوی کاری که نیاز به حضور در مجامع عمومی دارد، ممکن است با موانع فرهنگی و ساختاری مواجه شوند. همچنین، مشارکت ضعیف زنان عرب مهاجر به عنوان نیروی کار، بی شک منعکس کننده نقش آنها به عنوان یک زن خانه دار در خاورمیانه است و در برخی موارد، درآمد بالای همسرانشان علت این امر است. در میان افراد بالغ نیروی کار - در مقایسه با عموم جمعیت ایالات متحده - امید بیشتری می رفت که آمریکایی های عرب تبار، مناصب مدیریتی و حرفه ای را احراز کنند. مردان آمریکایی عرب تبار هم در مشاغل کارگری نیازمند مهارت و هم در مشاغل دیگر، درصد کمتری داشتند. (این نوع مشاغل به ترتیب در برگیرنده تولیدات ظریف، صنایع دستی، تصدی گری (اپراتور)، تولید و نیروی کار است. در میان زنان، عرب های متولد آمریکا به شکلی نامناسب، یعنی با حضور ۴۱ درصدی، خود را در مشاغل مدیریتی و حرفه ای نشان دادند. در مقایسه، ۳۱ درصد از کل مهاجرین عرب - یعنی تقریباً مشابه با این مورد برای تمامی زنان آمریکایی (۲۹ درصد) - در مشاغل حرفه ای و مدیریتی حضور داشتند. همچنین آمریکایی های عرب تبار حضوری قاطعانه در مشاغل فنی، فروش و اجرایی از خود نشان دادند.

در سال ۱۹۹۰، میانگین درآمد آمریکایی های عرب تبار از این میزان در میان تمامی آمریکایی ها فراتر رفت. (جدول شماره ۳) مردان آمریکایی عرب تبار متولد آمریکا، بالاترین میانگین درآمد را (۳۳ هزار دلار) داشتند که نشانگر کسب تحصیلات عالی و حضور در مشاغل حرفه ای بود. میانگین درآمد برای تمامی مردان آمریکایی ۲۸ هزار دلار بود و مردان عرب

مهاجر سی هزار دلار درآمد داشتند. گرچه مردان عرب مهاجر از بالاترین میزان تحصیلات عالی در میان تمامی گروهها برخوردار بودند اما به معنای داشتن درآمدهای بسیار بالا نبود. از نظر بسیاری از مهاجرین، این مسئله اغلب به علت جدید الورد بودن، فقدان مهارتهای زبانی (انگلیسی) و داشتن مدارک تحصیلی خارجی به وجود می آمد. همان گونه که در بخش بعدی گفته خواهد شد، بسیاری از مهاجران عرب برای دوری از چنین کمبودها برای خود کسب و کاری مهیا کرده اند. بیست درصد از مردان مهاجر عرب در مقایسه با تنها یازده درصد از کل مردان آمریکایی، خود اشتغال بودند. در میان زنان، متوسط درآمد زنان آمریکایی عرب تبار متولد ایالات متحده (۲۲,۱۰۰ دلار) از این میزان در عرب های مهاجر (۲۰ هزار دلار درآمد) و تمامی زنان آمریکایی (۱۸,۶۰۰ دلار درآمد) فراتر رفت. زنان آمریکایی عرب تبار متولد آمریکا، بالاترین میزان مشارکت در نیروی کار در میان زنان و نیز هممتایان مردشان داشتند. کسب مدارج عالی تحصیلی و حضور در مشاغل مدیریتی و حرفه ای، منجر به کسب درآمدهای بالایی می شود. این یافته ها از اهمیتی مضاعف برخوردارند، چرا که با افزایش درآمدها، نفوذ سیاسی نیز حاصل می شود و مشهود است که آمریکایی های عرب تبار جوانتر در گستره ای وسیعتر از والدینشان در آستانه ورود به فرآیند سیاسی هستند و به احتمال قوی در رقابت برای دستیابی به مناصب سیاسی بر پیشینه قومی خود تأکید خواهند کرد.^{۱۸} الان بهتر می توان علل درآمد بالای خانوار و سطوح پایین فقر که ویژگی خانوارهایی است که تحت سرپرستی آمریکایی های عرب تبار متولد آمریکا قرار دارند، درک کرد. موفقیت نسبتاً برترشان در نرخ بالای مشارکت در نیروی کار و درآمدهای بالای زنان و مردان آمریکایی عرب تبار متولد آمریکا ریشه دارد. علاوه بر این، در حالی که اندازه خانوار (۲,۶ نفر) در حد متوسط خانوار ایالات متحده است، در مقایسه با ۱,۶ نفر برای عرب های مهاجر - همچون خانواده های آمریکایی - در خانواده های آمریکایی عرب تبار متولد ایالات متحده تعداد کارگران بیشتر (۱,۷ نفر) بود.

گذشته به عنوان یک سرآغاز؟

در میان بسیاری از مهاجرین نسل نخست از جمله آمریکایی های عرب تبار، ایجاد مشاغل کوچک امری رایج است. در حقیقت، مطالعات تاریخی، به نقش حیاتی دستفروشی در درهم آمیزی نخستین موج از مهاجرین عرب در ایالات متحده اشاره می کند؛ کسانی که بعدها مالک مغازه های کوچک شدند.^{۱۹} بیشتر این مهاجرین به دنبال مقاصد اقتصادی به آمریکا آمدند، بسیاری به مستقر شدن دیگران کمک کردند و همگی بنابه ضرورت، انگلیسی آموختند. جذب و همسان سازی در «بوته ذوب» [آمریکا] هنگامی رخ داد که ایالات متحده عمدتاً از آن سوی اروپا و از نقاط دیگر - از جمله امپراتوری سابق عثمانی - کمتر مهاجر می پذیرفت. قوانین محدود کننده مصوب دهه ۱۹۲۰ از آن پس به «سوری ها» و کشورهای خاورمیانه سهمیه های بسیار کوچکی اختصاص داد. نظریه «اقلیت دلال» راه سازگاری اقتصادی را توصیه می کند که از سوی گروه های خاصی از مهاجرین دنبال شد که متخصص در امور معاملات بوده و در جمع خرده بورژواها متمرکز شده اند.^{۲۰} چنین گروه هایی با گروه های مسلط و زیردستی که با آنها ارتباط دارند به عنوان واسطه تجاری عمل می کنند. به نظر می رسد ویژگی های خاص مفروض از سوی این فرضیه در مورد الگوهای معین بسیاری در تحلیل ارایه شده در مورد آمریکایی های عرب تبار، همچون ویژگی های تاریخی این جمعیت - به ویژه پیشینه طولانی در امور تجاری - صدق می کند. داده ها نشان می دهد که آمریکایی های عرب تبار به شدت درگیر فروش، معاملات خرد و مسایلی بودند که به شهر و مناطق خاصی از کلان شهرها معطوف می شد. در سال ۱۹۹۰، بیش از ۳۶ درصد از مردان مهاجر عرب و ۲۷ درصد از زنان در زمینه داد و ستدهای خرد و کلان فعال بودند؛ همچنین شمار معتنا بهی از مهاجرین عرب، خود اشتغالی داشتند. با این وجود آمریکایی های عرب تبار به رغم خود کفایی اقتصادی، موردی کلاسیک برای گروه دلالان محسوب نمی شوند. اگر رشد و پیشرفت قدرت اقتصادی چینی ها در جنوب شرقی آسیا را در نظر بگیریم، قدرت اقتصادی و سازمانی آمریکایی های عرب تبار در مقایسه با هندی ها در شرق آفریقا ضعیف است. همچنین ممکن است فاقد انسجام اجتماعی اقلیتهای دلال باشند که اغلب به داشتن تابعیت دوگانه و

اختصاص وفاداری به جامعه ای متهم هستند که در آن اقامت دارند. متأسفانه اطلاعات آماری این اجازه را به ما نمی دهد که دوگانگی احساسات آمریکایی های عرب تبار (یا هر گروه دیگری) را نسبت به محل اقامتشان مورد ارزیابی قرار دهیم. برخی از کسانی که اقامت موقت داشتند به موطنشان بازگشتند، اما اطلاعات آماری نمی تواند اطلاعات مربوط به بازگشت مهاجرین را در اختیار ما قرار دهد.

این مسئله که آیا گروههای مهاجر معاصر می توانند از طریق حرفه ای - مدیریتی و یا کار آفرینی در آمریکا «موفق» باشند همواره مورد بحث بوده است.^{۲۱} به نظر می رسد که هر دو شیوه تغییر پذیری و سازگاری اقتصادی در مورد آمریکایی های عرب تبار صادق باشد، گرچه سرعت انسجام آنها به میزانی نیست که معیارهای شغلی و اقتصادی ارایه می دهند. این مسئله شاید به این دلیل باشد که کار آفرینان مهاجر عموماً تمایل به برقراری پیوند قوی با قومیت‌های مشترک دارند که از انسجام اجتماعی آنها جلوگیری می کند.^{۲۲} بسیاری از آمریکایی های عرب تبار، خود اشتغالی دارند و بسیاری از این مردم قادرند که در محیط قومی خودشان کار کنند. کلیشه ها و قالبهای منفی و وضعیت آوارگی و تبعید بسیاری از آمریکایی های عرب تبار ممکن است بتواند به تبیین این نکته کمک بیشتری بکند که چرا انسجام اجتماعی برای آمریکایی های عرب تبار سخت تر است و یا آنها از انجام چنین کاری رویگردانند.^{۲۳} از سوی دیگر، شمار بسیار زیاد آمریکایی های عرب تبار که از سطوح بالایی از مالکیت‌های تجاری و مشاغل حرفه ای برخوردارند، برای بسیاری فرآیند نسبتاً همواری در جهت انسجام اجتماعی در روند کلی جامعه آمریکا فراهم می کند. مهاجرین عرب در نیمه دوم قرن بیستم از بسیاری جهات با گذشتگان خود تفاوت دارند. بسیاری از آنها بیشتر به خاطر دلایل سیاسی به آمریکا آمدند، مثل فلسطینی هایی که با ایجاد کشور اسرائیل و پیامدهای منازعه اعراب و اسرائیل از سرزمینشان آواره شدند، یا موج تازه ای از مهاجرین لبنانی که برای فرار از جنگ داخلی، تهاجم خارجی و فقر مهاجرت کردند. این مسئله به تشکیل چندین سازمان آمریکایی عرب تبار به منظور توجه به نگرانیهای این جامعه و شکل دهی به احساس فزاینده هوشیاری سیاسی قومی منجر شده است. شاید بزرگترین تفاوت

میان امواج عرب‌های مهاجر فعلی و قبلی در این باشد که مهاجرین اخیر از تنوع ملیتی بیشتری برخوردار بودند. حتی امروز به رغم این تکثر روبه رشد پیشینه و تجربه، سه پنجم آمریکایی‌های عرب تبار، بخشی از طبقه متوسط را جا انداخته و به نظر نمی‌رسد که فرآیند جذب و همسانی‌اش مشکل‌تر از مورد گروه‌های اروپای جنوبی و شرقی باشد.

کشورهای ثروتمند اروپایی نسبت به هم‌آمیزی مهاجرینشان به شدت ابراز نگرانی کرده‌اند.^{۲۴} حالا تقریباً تمامی کشورهای اروپایی جوامع قابل توجهی از مسلمانان مهاجر را در خود جای داده‌اند که عمدتاً از شمال آفریقا، ترکیه، پاکستان و بنگلادش آمده‌اند، اما آنها رهیافتهای متفاوتی در رفتار با مهاجرین در پیش گرفته‌اند که تداوم آن بحث‌انگیز است. فرانسه بر این نکته پافشاری کرده که مهاجرین اساساً خود را یک فرانسوی بدانند. فرانسه دست کم پذیرای دو میلیون عرب از کشورهای آفریقای شمالی است که بیشتر آنها یا مذهب اسلام را اختیار کرده‌اند و یا مسلمان به دنیا آمده‌اند. در فرانسه همچون بیشتر نقاط شمال غربی اروپا در میان زنانی که از نسل مهاجرین هستند، میزان باروری به تدریج همدیف با نمونه‌های عمده گروه می‌شود، اما در هر صورت همچنان بالاترین نرخ تولد را می‌توان در میان مسلمانان یافت، در میان مهاجرین الجزایری و مراکشی بیکاری بیشتر است. اینها کسانی هستند که از واکنشهای شدید مردمی که موجب بروز تنشهایی در حواشی فقیرتر شهرهای مهم شده، رنج می‌برند. اعراب متمول در تطبیق با زندگی انگلیس، مشکلات کمتری را تحمل می‌کنند، در حالی که اعراب مهاجر کم‌سواد و از طبقه کارگر و آوارگان، تمایل به حاشیه‌نشینی در مناطق آسیب‌دیده شهرها دارند. آنها معمولاً صاحب مشاغل یدی کم درآمد بوده و در دگرگونیها از بخت کمی برای ترقی و پیشرفت اجتماعی برخوردارند. در هلند، بلژیک و آلمان، بچه‌های مهاجرین ترک و مراکشی در حال فراگیری ارزشها، هنجارها و اخلاق رایج در آن جوامع اروپایی هستند، اما بخشهای بزرگی از جوامع ترک و مراکشی از سطوح پایینی از یکپارچگی برخوردارند. این امر، به پیدایش نسل دوم ناراضی و سرخورده منجر می‌شود که گذار به جوامع اروپایی را امری دشوار پنداشته و نسبت به دنیای فرهنگی والدینش احساس بیگانگی می‌کنند. حضور مسلمانان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نسبت

به ایالات متحده، پدیده‌ای بسیار جدید و به فراخور اندازه جمعیت‌های ملی بزرگتر است، در جایی که مسلمانان به لحاظ جغرافیایی از تمرکز کمتری برخوردار بوده و از نظر ملیت، تنوع بیشتری دارند. به نظر می‌رسد مسلمانان آمریکایی عرب تبار نسبت به مسلمانان اروپایی اهل خاورمیانه و سایر نژادها، از چشم‌انداز اقتصادی بهتری برخوردار بوده و کمتر در حاشیه قرار دارند. حتی اگر شاهد اعمال تبعیض نژادی علیه خودشان باشند.

همچنین، ماهیت اسلامی روز افزون مهاجرین عربی که وارد ایالات متحده می‌شوند در برخی مناطق موجب بروز ناراحتی و ایجاد حاشیه شده است.^{۲۵} با این وجود ممکن است حضور یک اکثریت مسیحی عرب که دارای انسجام اجتماعی- فرهنگی است به پذیرش فرهنگی مسلمانان عرب کمک کند. همچنین افزایش شمار مسلمانان از جمله تعداد بسیار زیاد افراد هم‌مذهب در میان آمریکایی‌های افریقایی تبار ممکن است این دیدگاه را پیش‌برده که اسلام یک دین اقلیت نیست، بلکه بخشی از جریان غالب در آمریکا است. علاوه بر این، قوانین حقوق مدنی ایالات متحده که در اواسط دهه ۱۹۹۰ رایج شد، در برابر تبعیضات دینی و قومی برخی از حمایت‌ها را پیشنهاد کرده که در آن هم رسماً به سازگاری با اقلیتها اذعان شده و هم به چارچوبی قانونی برای اجرای آن اشاره شده است. این مهم به همراه سطوح بالای تحصیلات عالی در کل تضمین خواهد کرد که جمعیت حاضر آمریکایی‌های عرب تبار را که بیش از پیش دارای تکثر و تنوع است- همچون نسل‌های پیشین- به همسانی و یکدستی نزدیک کند. در حقیقت این جمعیت، اساساً به خاطر تداوم روند مهاجرت به رشد خود ادامه می‌دهد. تحلیل ما از داده‌های اخیر اداره مهاجرت و شهروندی نشان می‌دهد که جریانهای مهاجری که در کشورهای عضو اتحادیه عرب متولد شده‌اند، اساساً در سالهای اخیر رشد یافته‌اند. حجم مهاجرین عرب به ایالات متحده که در دهه ۱۹۸۰ حدود ۱۶۷ هزار نفر بود، در دهه ۱۹۹۰ با افزایش ۶۷ درصدی به ۲۸۰ هزار رسیده است.^{۲۶} حضور روبه‌رشد آمریکایی‌های عرب تبار و سیر جذب و همگونی مساعد آنها احتمالاً موجب شناسایی بیشتر این گروه و نیز نیازها و دغدغه‌هایشان از سوی عموم خواهد شد. □

جدول شماره ۱
پراکندگی آمریکایی های عرب تبار براساس بزرگی اصالت قومی و
زادگاه در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰

۱۴۵

۱۹۹۰		۱۹۸۰				
درصد متولدین ایالات متحده	درصد	تعداد	درصد متولدین ایالات متحده	درصد	تعداد	اصالت قومی
۲۹,۷	۹,۳	۹۳,۸۵۴	۲۲,۹	۷,۴	۵۲,۳۸۰	مصری
۲۵,۴	۲,۹	۲۹,۱۱۵	۳۳,۱	۶,۹	۴۸,۸۶۰	عراقی
۲۹,۱	۲,۳	۲۳,۴۲۳	۲۰,۰	۱,۸	۱۳,۰۸۰	اردنی
۷۴,۹	۴۰,۵	۴۰۸,۸۵۱	۷۷,۸	۴۲,۴	۳۰۱,۸۴۰	لبنانی
۴۸,۳	۳,۱	۳۱,۵۶۵	۵۰,۶	۳,۱	۲۲,۱۴۰	مراکشی
۴۲,۵	۴,۸	۴۸,۴۸۰	۳۹,۹	۲,۹	۲۰,۶۲۰	فلسطینی
۶۷,۰	۱۸,۸	۱۸۹,۵۳۲	۷۸,۸	۱۵,۸	۱۱۲,۵۲۰	سوری
-	۱۸,۴	۱۸۵,۵۳۷	-	۱۹,۷	۱۴۰,۳۲۰	سایر عربها
۵۹,۰	۱۰۰,۰	۱,۰۱۰,۳۵۷	۵۹,۷	۱۰۰,۰	۷۱۱,۷۶۰	مجموع

نکته: این جدول، تنها نشانگر ملیتهایی است که بیش از ۲ درصد از کل جمعیت آمریکایی های عرب تبار را تشکیل می دهند. جدول متعلق به PUMS است که هر ده سال یک بار از سوی اداره آماره ایالات متحده منتشر شده است.

◆ فصلنامه مطالعات منطقه ای

جدول شماره ۲
کسب تحصیلات آمریکایی های عرب تبار و جمعیت ایالات متحده (سنین بین ۲۱ تا ۵۹)
بر اساس جنسیت و تولد سالهای ۱۹۸۰-۱۹۹۰

درصد پراکندگی						
بالاتر از لیسانس	فقط فارغ التحصیل دانش سرا	چند سال تحصیل در دانش سرا	تنها دبیرستان	زیر دبیرستان	مجموع	
						۱۹۸۰
۱۰,۷	۱۰,۶	۲۰,۰	۳۵,۰	۲۳,۷	۵۵,۴۴۵,۰۰۰	تمامی افراد ذکور در ایالات متحده
۱۶,۶	۱۷,۵	۲۵,۵	۲۹,۲	۱۱,۱	۹۹,۶۲۰۰	آمریکایی های ذکور عرب تبار؛ متولد ایالات متحده
۲۲,۸	۱۲,۵	۲۵,۵	۲۰,۲	۱۹,۰	۱۱۷,۳۶۰	آمریکایی های ذکور عرب تبار؛ متولد خارج
۵,۸	۸,۹	۱۹,۲	۴۲,۶	۲۳,۵	۵۸,۲۷۵,۰۰۰	تمامی افراد مؤنث ایالات متحده
۹,۲	۱۴,۰	۲۴,۶	۴۱,۱	۱۱,۱	۹۴,۹۰۰	آمریکایی های مؤنث عرب تبار؛ متولد ایالات متحده
۹,۲	۸,۸	۱۹,۱	۳۰,۴	۳۲,۶	۷۶,۱۶۰	آمریکایی های مؤنث عرب تبار؛ متولد خارج
						۱۹۹۰
۸,۷	۱۵,۶	۲۸,۶	۲۸,۷	۱۸,۴	۶۵,۰۱۲,۳۰۰	تمامی افراد ذکور در ایالات متحده
۱۵,۵	۲۴,۷	۳۳,۰	۲۰,۰	۶,۷	۱۳۴,۵۱۵	آمریکایی های ذکور عرب تبار؛ متولد ایالات متحده
۲۰,۰	۲۳,۴	۲۶,۷	۱۴,۲	۱۵,۶	۱۹۱,۲۶۰	آمریکایی های ذکور عرب تبار؛ متولد خارج
۶,۰	۱۴,۵	۳۰,۳	۳۲,۱	۱۷,۱	۶۶,۴۴۴,۶۰۰	تمامی افراد مؤنث ایالات متحده
۱۰,۴	۲۴,۸	۳۴,۶	۲۳,۹	۶,۳	۱۳۰,۸۹۵	آمریکایی های مؤنث عرب تبار؛ متولد ایالات متحده
۸,۸	۱۷,۶	۲۵,۰	۲۳,۲	۲۵,۴	۱۱۷,۷۵۸	آمریکایی های مؤنث عرب تبار؛ متولد خارج

جداول متعلق به PUMS است. (از سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) که هر ده سال یک بار از سوی اداره آمار ایالات متحده منتشر شده است

جدول شماره ۳

درآمد خانوار، فقر و درآمد آمریکایی های عرب تبار و جمعیت ایالات متحده براساس

تولد طی سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰

۱۴۷

میانگین درآمد (به دلار)*				
افراد مؤنث	افراد ذکور	نرخ فقر	درآمد خانوار**	
				۱۹۸۰
۱۷,۱۰۹	۲۹,۰۷۹	۱۲,۴	۲۸,۶۸۵ دلار	مجموع ایالات متحده
۱۸,۶۴۸	۳۱,۱۳۱	۹,۰	۳۴,۲۰۹ دلار	آمریکایی های عرب تبار: متولد ایالات متحده
۱۷,۱۰۹	۲۹,۰۷۹	۲۱,۳	۲۶,۵۲۲ دلار	آمریکایی های عرب تبار: متولد خارج
				۱۹۹۰
۱۸,۶۰۰	۲۸,۰۰۰	۱۳,۱	۲۹,۵۶۵ دلار	مجموع ایالات متحده
۲۲,۰۵۱	۳۳,۰۰۰	۱۰,۰	۳۷,۸۲۱ دلار	آمریکایی های عرب تبار: متولد ایالات متحده
۲۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	۱۷,۶	۳۰,۱۹۰ دلار	آمریکایی های عرب تبار: متولد خارج

جدول متعلق به PUMS است (سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) که هر ده سال یک بار از سوی اداره آمار ایالات متحده منتشر شده است.
 * منظور، میانگین درآمد به دلار است. درآمد و عواید پیش از سرشماری براساس تقویم سالیانه است. به طوری که عملاً به سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹ باز می گردد و هر دو در سال ۱۹۸۹ گزارش شده است.
 ** میانگین درآمد برای افراد بالغ بین سنین ۲۱ تا ۵۹ سال شاغل در بخش کارگری یا میزان کاری معادل ۴۵ هفته کار و یا بیشتر در سال و ۳۵ ساعت و یا بیشتر در هفته محاسبه شده است. نرخ فقر به درصد افراد مربوط می شود که زیر خط فقر تعیین شده از سوی دولت فدرال قرار دارند.

◆ فصلنامه مطالعات منطقه ای

جدول شماره ۴

وضعیت شغلی آمریکایی های عرب تبار و جمعیت ایالات متحده در سنین ۲۱ تا ۲۹ سال براساس جنسیت و تولد

در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰

درصد پراکندگی در چکیده ای از گروه های شغلی							مجموع	
ایر اتوری، ساخت و ساز و بخش کارگری	تولیدات ظریف و تعمیرات صنایع دستی	کشاورزی جنگل داری ماهی گیری	خدمات	فنی، فروش و مشاغل تحت حمایت دولت	مدیریتی و حرفه ای			
۱۹۸۰								
۲۳٫۷	۲۱٫۸	۳٫۶	۷٫۷	۱۸٫۷	۲۴٫۵	۴۸٫۸۳۸٫۰۰۰	تمامی افراد ذکور ایالات متحده	
۱۴٫۵	۱۴٫۴	۱٫۰	۷٫۴	۲۶٫۱	۳۶٫۷	۸۷٫۷۰۰۰	آمریکایی های عرب تبار ذکور: متولد ایالات متحده	
۱۵٫۱	۱۴٫۴	۰٫۹	۹٫۲	۲۴٫۸	۳۵٫۶	۸۷٫۴۴۰	آمریکایی های عرب تبار ذکور: متولد خارج	
۱۳٫۹	۲٫۵	۰٫۹	۱۶٫۰	۴۴٫۱	۲۳٫۷	۳۵٫۹۷۶٫۰۰۰	تمامی افراد مؤنث: ایالات متحده	
۵٫۷	۱٫۶	۰٫۴	۱۲٫۱	۴۸٫۲	۳۲٫۰	۶۲٫۰۶۰	آمریکایی های عرب تبار مؤنث: متولد ایالات متحده	
۱۵٫۵	۴٫۶	۰٫۳	۱۴٫۷	۴۲٫۷	۲۲٫۱	۳۴٫۹۶۰	آمریکایی های عرب تبار مؤنث: متولد خارج	
۱۹۹۰								
۲۰٫۴	۲۰٫۱	۳٫۳	۹٫۰	۲۱٫۳	۲۵٫۷	۵۷٫۷۵۶٫۸۵۰	تمامی افراد ذکور ایالات متحده	
۱۰٫۰	۱۳٫۲	۱٫۳	۷٫۵	۲۹٫۰	۳۸٫۹	۱۲۰٫۹۲۳	آمریکایی های عرب تبار ذکور: متولد ایالات متحده	
۱۱٫۶	۱۱٫۷	۰٫۳	۱۰٫۰	۳۰٫۵	۳۵٫۹	۱۶۰٫۷۱۸	آمریکایی های عرب تبار ذکور: متولد خارج	
۸٫۹	۲٫۶	۰٫۸	۱۵٫۵	۴۲٫۶	۲۹٫۳	۴۷٫۹۳۸٫۳۵۰	تمامی افراد مؤنث: ایالات متحده	
۳٫۵	۱٫۳	۰٫۳	۱۰٫۲	۴۳٫۸	۴۰٫۸	۹۹٫۳۷۱	آمریکایی های عرب تبار مؤنث: متولد ایالات متحده	
۷٫۵	۳٫۷	۰٫۲	۱۴٫۱	۴۳٫۹	۳۰٫۶	۵۷٫۸۸۳	آمریکایی های عرب تبار مؤنث: متولد خارج	

جدول متعلق به PUMS است (سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) که هر ده سال یک بار از سوی اداره آمار ایالات متحده منتشر شده است.
* توجه: آمار فوق در زیر نمونه مردان سنین ۲۱ تا ۵۹ سال محاسبه شده که در بخشهای نظامی و غیرنظامی کار می کنند، کسانی که خود شغلی ندارند و در اقامتگاههای گروهی ساکن نیستند.

◆ فصلنامه مطالعات منطقه ای

پاورقیها:

۱. رالف نادر، شاید معروفترین هوادار مصرف کننده از ایالات متحده باشد و خودش یک آمریکایی عرب تبار است، در سال ۲۰۰۰ به عنوان نامزد حزب سبز رقابت شدیدی برای کسب ریاست آغاز کرد که دولت جرج دبلیو بوش، عضویت اسپنسر آبراهام را در خود پذیرفته که یک آمریکایی عرب تبار از اهالی دیوبورن بوده و وزیر انرژی است. پیش تر دونا شلاله عضو هیأت دولت کلینتون شده بود. هر سه این آمریکایی های عرب تبار، لبنانی الاصل هستند.

2. Ernest Mearns, (ed.), *The Development of Arab-American Identity*, MI: University of Michigan, 1994.

Gregory Orfalea, *Before the Flames: A Quest for the History of Arab-Americans*, TX: University of Texas Press, 1980.

3. Yvonne Y. Haddad and Adair T. Lummis, *Islamic Values in the United States*, New York: Oxford University Press, 1987.

4. Lisa Lollock, *The Foreign-born Population in the United States*, Current Population Reports, p. 20-535, Washington, DC: US Bureau of the Census, 2001.

5. Sameer Y. Abraham and Nabeel Abraham, (ed.), *Arabs in the New World: Studies on Arab-American Communities*, Detroit: Center for Urban Studies, Wayne State University, 1983, Alixa Naff, *Becoming American: The Early Arab Immigrant Experience*, Carbondale, IL: Southern Illinois University Press, 1985, and Eric Hooglund, ed., *Crossing the Waters; Arabic-Speaking Immigrants to the United States*, Washington, DC: Smithsonian Institution, 1987.

۶. اصلاحیه های سال ۱۹۶۵ در مورد قانون مهاجرت و تابعیت، سهمیه هایی را که باعث استثنا شدن اروپا می شد، لغو کرد و برای نخستین بار همه کشورها را در موقعیتی برابر قرارداد. این قانون، سیستمی از اولویتهای مهاجرتی بنا کرد که در اصل بر علایق خانوادگی و مهارتهای شغلی مورد نیاز در ایالات متحده متکی بود. از سال ۱۹۹۰ به این سو، «برنامه روادید متنوع» برای اتباع کشورهای که در جریانهای مهاجرت به ایالات متحده در این کشور نمایندگی دارند، فرصت مهاجرت را فراهم کرده است. همه کشورهای عربی برای دریافت چنین روادیدهایی که از طریق قرعه کشی عرضه می شوند، واجد صلاحیتند. مصر، کشوری است که از این برنامه بهره بسیار برده است.

7. Michael W. Suleiman, *The Arabs in the Mind of America*, Brattleboro, VT: Amana, 1988.

آمریکایی های عرب تبار اغلب از این احساس که از مشارکت در فرآیند سیاسی منع می شوند و چهره منفی از آنها در رسانه های ایالات متحده ارایه می شود، گله مندند. مثلاً این کلیشه غالب که اعراب (به ویژه مسلمانان) را به عنوان تروریستهای بین المللی معرفی می کنند. این تنشها اغلب با برداشتهای بسیار مشترک آمریکایی های عرب تبار گره خورده که هیأت حاکمه آمریکا از اسرائیل پشتیبانی می کند و اینکه جریان غالب جامعه به اعراب مشکوک بوده و درباره اسلام و مسلمانان اطلاعات نادرست دارند.

8. M. Arif Ghayur, "Muslims in the United States: Settlers and Visitors," *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, No. 454, March 1981, pp. 150-163.

9. David Barret and Todd M. Yohnson, "Religious Adherents in the United States of America, AD 1900-2000," In *1997 Britannica Book of the Year*, London: Encyclopedia Britannica, 1997, p. 311.

10. Theodore Pulcini, "Trends in Research on Arab-Americans," *Journal of American Ethnic History*, Vol. 12, No. 1, Summer 1993, pp. 27-60.

۱۱. استثناءات این قانون عبارتند از:

Elias T. Nigem, "Arab-Americans: Migration, Socioeconomic and Demographic Characteristics," *International Migration Review*, Vol. 20, No. 3, Fall 1986, pp. 630-849 John Zogby, *Arab America Today: A Demographic Profile of Arab-Americans*, Washington, DC: Arab American Institute, 1990; and Samia El-Badry, "The Arab- American Market," *American Demographics*, Vol. 16, No. 1, January 1994, pp. 22-31.

۱۲. کشورهای اتحادیه عرب عبارتند از: مصر، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، موریتانی، سودان، سومالی، جیبوتی، عربستان سعودی، بحرین، کویت، عمان، قطر، امارات متحده عربی، یمن، لبنان، سوریه، اردن، فلسطین و کومور. در سال ۱۹۸۰ اندازه نمونه غیرمؤثر ۴۵,۵۸۸ و در سال ۱۹۹۰، ۴۶,۷۶۷ بود. براساس اسناد مهاجرت به آمریکا در آستانه قرن گذشته لبنانی‌ها و سوری‌ها به همراه هم و با نام «سوری‌ها» یا «ترک‌ها» گروه بندی می شدند. این مسئله ممکن است بر چگونگی اظهارات اغلب مهاجرین اولیه به هنگام اعلام اصل و نسب خود تأثیر بگذارد.

13. John Zogby, *op.cit.*, and El-Badry, *op.cit.*, p. 25.

14. Jonathan Friedlander, ed., *Sejourners and Settlers: The Yemeni Immigrant Experience*, Salt Lake City, UT: University of Utah, 1988.

۱۵. معیار اندازه گیری برای بارداری در اینجا، یعنی کودکانی که تا به حال متولد شده اند، معیار تراکمی و مرکب است و نشانگر مجموع کل کودکان متولد شده است. از آنجایی که بیشتر زنان تا سن ۴۴ سالگی باروری خود را از دست می دهند، شمار کودکان زاده شده از سوی زنان در سنین ۳۵ تا ۴۴ سالگی تخمین دقیق و قابل قبولی برای پایان دوره باروری محسوب می شود.

16. Alejandro Portes and Ruben G. Rumbaut, *Immigrant America: A Portrait*, Berkeley: University of California Press, 1996.

۱۷. این امر در کارهای در دست انجام نویسندگان مشهود است. نگاه کنید به اثر Andizej Kulczycki و آرون پیتر لوبو با عنوان «الگوها، عوامل تعیین کننده و پیامد پیوندهای میان نژادی در بین آمریکایی‌های عرب تبار» دست نوشته‌های منتشر شده در دست بررسی.

18. Michael W. Suleiman, "Arab-Americans and the Political Process," in Ernet Mc Carus, (ed.), *The Development of Arab-American Identity*, pp. 37-60.

19. Naff, *Becoming American: The Early Arab Immigrants' Experience*, and Pulcini, "Trends in Research on Arab-Americans."

20. Edna Bonacich, "A Theory of Middleman Minorities," *American Sociological Review*, No. 38, October 1973, pp. 583-594; and Edna Bonacich and John Modell, *The Economic Basis of Ethnic Solidarity: Small Business in the Japanese American Community*, Berkeley: University of California Press, 1980.

21. Portes and Rumbaut, *op.cit.*

22. Bonacich and Model, *op.cit.*

23. Haddad and Lummis, *op.cit.*, Orfalea, *op.cit.*

24. Gerd Nonneman, Tim Niblock and Bogdan Szajkowski (ed.), *Muslim Communities in the New Europe*, UK: Ithaca Press, 1996.

۲۵. ولی این خطا است که مسلمانان مقیم و یا شهروندان ایالات متحده یا اروپا را با دولتها یا جنبشهای سیاسی جهان عرب یا جهان اسلام به اشتباه برابر فرض کنند. در فضای حدس و گمان کنونی درباره یک «تهدید اسلامی» نسبت به غرب، چنین تلفیق و آمیختگی می تواند اتفاق بیفتد: به عنوان مثال نگاه کنید به اثر ساموئل هانتینگتون با نام «برخورد تمدنها و بازسازی نظم نوین جهانی».

۲۶. این ارقام از تحلیل فایل‌های اطلاعاتی سالانه اداره مهاجرت و شهروند سازی طی سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۰ به دست آمده است.